

عنوان مقاله:

تحلیل چگونگی تغییر منش زبانی در آثار نقاشان معترض دهه ی پنجاه با بهره گیری از مفهوم استراتژی بورديو (مطالعه ی موردی آثار کاظم چلیپا و نصرت الله مسلمیان)

محل انتشار:

مجله جامعه شناسی هنر و ادبیات، دوره 14، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسنده:

مریم سالاری - دانشجوی دکتری پژوهش هنر، پردیس هنرهای زیبا. دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

میدان نقاشی ایران در سال های پیش از انقلاب و پس از آن، بیش از آن که در نوآوری و خلاقیت و یا قدرت و توان مندی هنرمند در ارائه ی سبک و فرم هنری اهمیت داشته باشد، در ایجاد شکافی که بر اساس تغییر جایگاه و نقش هنر و هنرمند ایجاد کرد، اهمیتی ویژه دارد. در میانه ی دهه ی پنجاه، نقاشی اعتراضی که توسط گروهی از دانشجویان جوان تحت هدایت هانیبال الخاص شکل گرفته بود، در برابر هنر مشروع آن دوران، یعنی هنر انتزاعی و مدرن قد علم کرد و به جای شعار هنر برای هنر، از هنر متعهد و رسالت هنرمند در برابر وقایع اجتماعی سخن گفت. با استقرار نظام اسلامی جریان هنر اعتراضی به دو شاخه تقسیم شد. گروهی جذب حوزه ی هنری شدند و فعالیت های پیشین خود را با تاکید بر هویت دینی و نمادهای آن ادامه دادند. گروه دوم در ادامه به سمت هنری ناب تر و شخصی تر پیش رفتند و آثاری خلق کردند که کمتر نشانی از تعهدات ملی و انقلابی صریح داشت. در این مقاله با بهره گیری از تئوری میدان های بورديو و مفهوم استراتژی، نشان می دهیم هنرمندان جریان دوم برای براندازی هنر مشروع، دست به اقداماتی زدند که کاملاً در مقابل حوزه ی هنری - که هنری واقع گرا و مردمی را ترویج می کرد- قرار می گرفت. یعنی آنان خواستار بازگشت به منشأ و اصل هنر شدند. از این رو زبانی چند پهلو، پیچیده و ناب تر را برگزیدند. البته نباید از نظر دور داشت که این استراتژی برای اعاده ی حیثیت، کاملاً صادقانه و بی غرضانه صورت گرفته است، زیرا نتیجه ی رابطه ی ناآگاهانه میان عادت واره و میدان است.

کلمات کلیدی:

هنر متعهد، هنر ناب، تاریخ میدان نقاشی، استراتژی، پیر بورديو

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1611572>

